



## جریان شناسی گروه‌های بنیادگرای اسلامی در خاورمیانه و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران

- ۱- دکتر مرضیه مختاری<sup>۱</sup> دکترای جغرافیای سیاسی
- ۲- علی گراوند عضو هیات علمی دانشگاه امام حسین (ع)
- ۳- مرتضی ترابی دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱

### چکیده

شکل‌گیری گروه‌های بنیادگرای اسلامی مانند القاعده، طالبان، داعش، جبهه النصره در خاورمیانه به شکلی اساسی بر روندهای سیاسی این منطقه تاثیر گذاشته و این تاثیرگذاری علاوه بر ابعاد داخلی دولت‌ها، در سطح ژئوپولیتیک منطقه‌ای نیز قابل مشاهده است. در واقع، گروه‌های بنیادگرا با توسعه فعالیت خویش در گسترده قلمروی سرزمینی خاورمیانه، معادلات سیاسی و ژئوپولیتیکی جدیدی در منطقه به وجود آوردند. پدیده بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه که در قالب فعالیت‌های گروه‌های افراطی - تروریستی نمود پیدا کرده، یکی از مشخصه‌های بارز پویای امنیتی در خاور میانه محسوب می‌شود. اما علی‌رغم اینکه این گروه‌ها در یک رویکرد کلی تحت عنوان جریان بنیادگرایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، در کنار شباهت‌های ایدئولوژیکی، تفاوت میان گروه‌های افراطی در ابعاد سیاسی به چشم می‌خورد. سوال محوری این پژوهش بر این مبنا است که، وجوه اشتراک و افتراق گروه‌های بنیادگرای طالبان، القاعده، داعش، جبهه النصره و جیش‌الاسلام در خاورمیانه کدامند و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران چیست؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد مهمترین وجوه اشتراک این گروه‌ها در مولفه مذهبی ایدئولوژیکی، و تفاوت‌های آنها نیز در مولفه‌های سیاسی می‌باشد. و مهمترین تاثیرات این گروه‌های تروریستی بر امنیت ملی ایران تهدید عمق استراتژیک ایران، فراهم کردن بستر مداخله سیاسی و نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای، تضعیف در حاکمیت و شکاف در محور مقاومت، رقابت گفتمانی بین شیعه و سنی، به هم خوردن موازنه به نفع رقبای منطقه‌ای ایران مد نظر حامیان این گروه‌های تروریستی بوده است. پژوهش حاضر از روش مطالعه تطبیقی یا مقایسه‌ای با استفاده روش کتابخانه‌ای و اسنادی، کتب مربوطه، نشریات و مطبوعات، مقاله‌ها و مجلات، سایت‌های اینترنتی به کار گرفته شده و در تهیه نقشه از نرم افزار GIS استفاده شده است.

**واژگان کلیدی:** خاورمیانه، بنیادگرایی، گفتمان، گروه‌های بنیادگرا.

<sup>۱</sup> - نویسنده مسئول - این مقاله بر پایه رساله دکتری نویسنده مسئول که در سال ۹۵ دفاع شده می‌باشد.



### ۱- مقدمه

خاورمیانه یکی از نواحی تمدن جهان محسوب می‌شود. برخی مورخان و محققان از جمله برنارد لوئیس و جی مارتین معتقدند که خاورمیانه دارای دو ویژگی بارز و متفاوت به نام "گونگونی" و "گسستگی" است که آن را از سایر تمدن‌ها متمایز می‌کند. تمدن خاورمیانه در برخی از نقاط مختلف آغاز شد و در راه‌های جداگانه پیشرفت کرد و با آنکه ساکنان آنها بالاخره به سوی یکدیگر گراییدند، ولی در فرهنگ، باور و راه و رسم حیات، همچنان با تفاوت‌های اساسی باقی ماندند. نقشه دینی و زبانی خاورمیانه و شمال آفریقا در پایان قرون وسطا کشیده شد و با استثناهایی چند به شکل امروزی اش درآمد. در این بین سه زبان بر دیگر زبان‌ها برتری داشت (عربی، فارسی، ترکی) و تعدادی از زبان‌های دیگر نیز کاربرد محلی خود را حفظ کردند. حدود ۵۷ درصد ساکنان منطقه به زبان عربی صحبت میکنند (شیرازی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۹). شکل‌گیری گروه‌های بنیادگرای اسلامی در خاورمیانه به شکل اساسی بر روندهای سیاسی خاورمیانه تاثیر گذاشته است. این تاثیرگذاری علاوه بر ابعاد داخلی دولت‌ها، با توجه به قاعده مجاورت، در سطح ژئوپولیتیک منطقه‌ای نیز قابل مشاهده است در واقع، گروه‌های بنیادگرا با توسعه فعالیت خویش در گسترده قلمروی سرزمینی خاورمیانه، معادلات سیاسی و ژئوپولیتیک جدیدی در منطقه به وجود آورده است. در بعد داخلی، این فرایند در قالب تاثیر فعالیت این گروه‌ها بر ساخت دولت و ثبات سیاسی نمود پیدا کرده است. به عبارتی، فعالیت این گروه‌ها باعث شکل‌گیری ساختار شکننده دولت شده است. در سطح منطقه‌ای، یک ژئوپولیتیک جدیدی از دولت‌های شکننده بخصوص در عراق و سوریه به وجود آورده است. با توجه به ساخت ضعیف این دولت‌ها، و نفوذ پذیری مرزها، گستره ژئوپولیتیک منطقه‌ای این گروه‌ها را افزایش داده است. پدیده بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه همواره از کانون‌های محوری بوده که در سطح عملی، توجه جامعه بین الملل، و در سطح نظری توجه تحلیل‌گران روابط بین‌الملل را به خویش معطوف ساخته است. در واقع به نظر می‌رسد بنیادگرایی اسلامی که در قالب فعالیت‌های تروریستی گروه‌هایی همچون القاعده، طالبان، و اخیرا گروه‌هایی همچون جبهه النصره، داعش و جیش الاسلام نمود پیدا کرده، به چهره غالب سیمای امنیتی خاورمیانه تبدیل شده است. پژوهشگران و تحلیل‌گران روابط بین الملل، ریشه‌های رشد بنیادگرایی اسلامی را در متغیرهای مختلفی از جمله شکست در فرایند دولت - ملت سازی در خاورمیانه، ضعف مشروعیت نخبگان و حاکمیت سیاسی، و در نهایت محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی بررسی نموده‌اند. در نتیجه، به نظر می‌رسد که رویکرد تحلیل‌گران نسبت به گروه‌های عمده بنیادگرا مبتنی بر یکسان‌نگاری این گروه‌ها باشد. اما علی‌رغم شباهت‌های قابل توجه میان زمینه‌های شکل‌گیری و همچنین دیدگاه ایدئولوژیکی، به نظر می‌رسد که تفاوت‌های قابل توجهی در مولفه‌های سیاسی و دستور کار سیاسی امنیتی این گروه‌ها در قبال غرب، شیعه و غیره وجود دارد. در این راستا و با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش با یک رویکرد متمایز نسبت به پژوهش‌های قبلی، با یک رویکرد تطبیقی سعی در شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان این گروه‌های عمده بنیادگرا دارد. از طرف دیگر باید عنوان کرد که، تعداد گروه‌های بنیادگرا در خاورمیانه شامل ده‌ها گروه می‌شود، ولی در این پژوهش سعی بر آن شده که گروه‌هایی که بیشترین تاثیر گذاری بر فرایندهای سیاسی در خاورمیانه را داشته‌اند، شامل پنج گروه ذکر شده، به عنوان محور بررسی قرار گرفته شده‌اند. در این راستا، سوال محوری این پژوهش بر این مبنا است که، وجوه اشتراک و افتراق گروه‌های بنیادگرای طالبان، القاعده، داعش، جبهه النصره و جیش الاسلام در خاورمیانه کدامند؟ پژوهش حاضر از روش مطالعه تطبیقی یا مقایسه‌ای استفاده کرده است. در اینجا مراد از تطبیق و مقایسه عبارت خواهد بود از: تجزیه و تحلیل مشابهت‌ها، نکات مشترک، و نیز تفاوت‌های موجود میان آنها. یکی از روش‌های تحقیقی در حوزه علوم، روش مطالعه تطبیقی یا روش مقایسه‌ای است ابزار گردآوری اطلاعات نیز در این





پژوهش از نوع روش کتابخانه ای و اسنادی است که با استفاده از اسناد و مدارک، کتب مربوطه، نشریات و مطبوعات، مقاله‌ها و مجلات سایت‌های اینترنتی می‌باشد.

### ۲- مبانی نظری:

#### ۱-۱- گفتمان و گفتمان اسلام سیاسی نو سلفی<sup>۱</sup>

در خصوص مفهوم گفتمان<sup>۲</sup> نیز باید گفت هر نوع کلام، گفتار و نوشتار جریانی اجتماعی محسوب می‌شود. به تعبیر بهتر گفتمان، جریان وسیع‌تری است که دارای زمینه‌های اجتماعی است (ابراهیمی، ۱۳۸۹، ۱۷۹) دیوید هوارث، گفتمان را نظامی از اعمال معنادار که به سوژه و ایژه هویت می‌بخشد تعریف کرده است. وی گفتمان را وسیع‌تر از ایدئولوژی<sup>۳</sup> دانسته و آن را شامل همه صور حیات اجتماعی، سیاسی، نهادها و سازمان‌ها تعریف می‌کند. از نظر هوارث، گفتمان‌ها در واقع منظومه‌های معانی هستند که در آنها نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند، هویت و معنا می‌یابد. (نخلستانی، ۱۳۹۱، ۱۳۴).

اسلام سلفی که میراث وهابیت در شبه جزیره عربستان است و به گفتمان نو بنیادگرایان و القاعده تسری یافته، در واقع تحولات اجتماعی سیاسی را ولو به طور ابراز با تفاسیر مختلف قرآنی توجیه می‌کنند (ابراهیمی، ۱۳۸۹، ۱۸۱). سلفیه از قرن چهارم هجری به بعد پدیدار شد، مدعی پیراستن دین از بدعتها بود و به قرآن و سنت و سیره سلف صالح استناد می‌کرد (اقبال و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۰۱). ریشه‌های سلفی‌گری به ابن تیمیه (متوفی ۱۳۲۸ م / ۷۲۸ هـ) می‌رسد. ابن تیمیه معتقد بود عقل، فقه شیعه و تصوف نوعی بدعت محسوب می‌شود. بنابراین بازگشت به سنت پیامبر و عمل سلف، یعنی صحابه و تابعین از عوامل جلوگیری از این بدعت است که از این سو، سلفیه، نامیده شدند. دغدغه اصلی جریانات وهابی‌گری حفظ اصالت اسلامی از طریق تمسک به نصوص دینی است و با نفی صحبت عقلی تنها راه نیل به چنین اصالتی را در متون دینی همراه با سیره سلف صالحی می‌بینید که به زمان وحی نزدیک بوده اند (جمشیدی راد، ۱۳۸۹، ۱۸۵) اسلام سلفی به مثابه گفتمان با موضوع رادیکال خود در مقابل گفتمان سکولار غرب به یکی از گفتمان‌های مهم در خاورمیانه تبدیل شده است. (دوستی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۰۲) بدین ترتیب گفتمان اسلام سلفی، اسلام سلف صالح را دال برتر در اجتماعات مسلمین می‌داند. در این پیوند دال برتر به عنوان انتزاعی‌ترین اصل عمل می‌کند و با ترکیبی از زبان، جامعه و با تولید کنش‌های کلامی خود به ویژه، با تحولاتی که در گفتمان اسلام‌گرایی از قرن بیستم تا قرن بیست و یکم به وجود آمده، از موضوعی سیاسی در اواخر قرن بیستم به موضوعی امنیتی در اوایل قرن ۲۱ در سیاست بین‌الملل، تبدیل شده است.

### ۳- یافته‌های تحقیق:

#### ۱-۳- کشورهای خاورمیانه از نظر ماهیت تروریسم در آنها

مهمترین رویدادی که در رشد و گسترش افراط‌گرایی مذهبی و خشونت فرقه‌ای در خاورمیانه موثر بوده است، تحولات افغانستان و حمله شوروی به این کشور بوده است در واقع، وقایع افغانستان و اشغال آن از سوی شوروی را باید نقطه عطفی در فعالیت‌های این جریان دانست و اشغال نظامی افغانستان از سوی شوروی رویدادی استثنایی در جهان اسلام بود، زیرا برای نخستین بار یک سرزمین اسلامی از سوی کمونیسم جهانی اشغال شده بود. از این رو گروه‌های اسلامی طرفدار حرکت‌های جهادی که داعیه‌های جهانی مبارزه با دشمنان اسلام داشتند و کمونیسم را از

<sup>۱</sup> new salafi political Islam

<sup>۲</sup> discourse

<sup>۳</sup> Ideology



دشمنان سرسخت خود میدانستند، نسبت به اشغال افغانستان حساسیت نشان دادند. و آمریکا هم برای جلوگیری از گسترش نفوذ شوروی در خاورمیانه ضمن حمایت از گروه‌های افراطی، بستر حضور آن‌ها را در افغانستان را فراهم نمود.

نقشه شماره (۱) منطقه خاورمیانه و شمال افریقا



(منبع: نگارندگان)

از حیث عملکرد و اندیشه ترور و گروه‌های تروریستی در داخل کشورها، شاید بتوان در خاورمیانه سه دسته از کشورها را از هم متمایز کرد.

۱- کشورها و نقاطی که در آنها اندیشه ترور ایجاد می‌شود.  
۲- نقاطی که ساختار اجتماعی و فرهنگی آنان به گونه‌ای است که اندیشه ترور و گروه‌های تروریستی قابلیت رشد ندارند.

۳- نقاطی که در آن اندیشه ترور قابلیت ایجاد ندارد ولی می‌توان رشد کند.  
انتخاب ایدئولوژی اسلامی توسط گروه‌های تروریستی در خاورمیانه دو دلیل می‌تواند داشته باشد یکی در مقابل حکومت‌های بسته و توتالیته که اکثراً طرفدار غرب هستند اسلام می‌تواند بدیلی مناسب و قابل توجه باشد. به دلیل اینکه اسلام دین اکثریت قریب به اتفاق مردم خاورمیانه است و از جایگاه مناسبی برخوردار است. در میان آنها لذا می‌تواند عامل مناسبی برای تهییج آنان و جذبشان به این گروه‌ها شود (نیک یی، ۱۳۸۹، ۲۳۹).

۲-۳ ماهیت رقابت های گروه‌های بنیاد گرا در منطقه :  
علاوه بر کارکرد مشترک گروه‌های بنیادگرا در بی ثباتی سیاسی و منازعات فرقه ای در خاورمیانه، باید به رقابت های سیاسی - نظامی این گروه‌ها با همدیگر نیز اشاره کرد. در واقع، این گروه‌ها در حوزه های قلمرو و منابع، با همدیگر در یک رقابت و ستیزه دائمی به سر می‌برند، که مهمترین نمود آن، درگیری گروه‌های جبهه النصره و داعش در حوزه سوریه است. در راستای کشمکش های جبهه النصره و دولت اسلامی در سوریه در ۲۰۱۵، چندین هزار نفر کشته شدند. در این راستا ایمن الظواهری رهبر القاعده این گروه ها را به سازش و آشتی دعوت کرد (Christopher، ۲۰۱۶، ۱۵). در نتیجه به نظر می‌رسد که، همواره کشمکش برای افزایش حوزه قلمرو و کشمکش





های قدرت، از چهره های شاخص رقابت های گروههای بنیادگرا باشد، که بر پویایی های ژئوپلیتیکی در منطقه خاورمیانه و بخصوص حوزه شامات افزوده است.

### ۱- القاعده

یکی از مهمترین گروههایی که در قرن اخیر توسط جهان غرب نام گروه تروریستی به خود گرفته می باشد. و در سالهای نه چندان دور یکی از فعال ترین شبکه های عملیاتی دنیا بود که بیشترین زمینه فعالیت آن را فعالیت های نظامی و عملیاتی تشکیل میدهد. (عباسی ، ۲، ۱۳۸۹) ریشه های تشکیل سازمان القاعده را باید در سالهای تجاوز اتحاد جماهیر شوروی سابق به افغانستان جستجو کرد.. القاعده در پایان دهه ۱۹۸۰ و به طور مشخص در سال ۱۹۸۸ تأسیس شده (کمیل الطویل ، ۵۸، ۱۳۹۱) در طول سالهای (۱۹۹۶ - ۱۹۹۰) القاعده به سازمانی رسمی با رهبری مرکزی تبدیل و با تشکیل هسته های کوچک جهادی در مناطق مختلف جهان با آنها ارتباط داشت. ساختار نظامی القاعده همانند خوشه انگور طراحی شده است. بدین معنی که گروههای چریکی این سازمان به موازات هم و مستقیماً فعالیت میکنند و اعضای گروههای دیگر را نمیشناسند.

پشتوانه مالی این شبکه عظیم رهبر آن بن لادن میباشد. اما در کنار آن بسیاری از سرمایه داران مسلمان از کشورهای مختلف جهان مبالغ زیادی به این شبکه تزریق میکنند. (عباسی ، ۱۳۸۸، ۴۴) در شکل گیری ساختار فکری القاعده، عواملی همچون، نوع ترکیب کادر اصلی القاعده، نوع ارتباط آن با دولت طالبان که بستر رشد آنها را در محیط مناسب افغانستان فراهم نمود و از اصول فکری نوسلفی، وهابیت سیاسی - مذهبی، اندیشه ها و آرای ابن تیمیه، سید قطب و ابوعلاء المودودی متاثر بود. و زمینه خارجی آن سیاستهای خاورمیانه ای آمریکا مانند تقویت حکومتهای وابسته در منطقه و حمایت از رژیم صهیونیستی و تلاش غرب برای غالب نمودن ارزشهای خود در فرایند شکل گیری فکری - ایدئولوژیک القاعده موثر بوده است (محمودیان ، ۱۳۹۱، ۸۷) القاعده به عنوان یک شبکه چند ملیتی مشکل از گروههای سلفگران جهان عرب که دارای شبکه های قوی ای در داخل جوامع عربی است.

### اهداف القاعده عبارتند از :

۱- نابودی حکومت های خودکامه دنباله رو آمریکا در خاورمیانه، ۲- سرنگونی رژیم صهیونیستی و ایجاد یک دولت فلسطینی مسلمان ۳- ایجاد خلافت اسلامی، ۴- نابودی آمریکا . هدف نهایی ایدئولوژی القاعده ، دستیابی به حکومت فقهی است که ریشه در وهابیت نوسلفی دارد و عنصر جهاد در ایدئولوژی القاعده از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. باید متذکر شد بعد از کشته شدن بن لادن و همچنین به قدرت رسیدن داعش و جبهه النصره ... در منطقه خاورمیانه دیگر نامی از القاعده برده نمی شود.

### راهبرد رسانه ای القاعده

القاعده را می توان در زمره گروه های تروریستی دانست که اهمیت بسزایی برای رسانه و نقش رسانه در مبارزه و جهاد قائل است ( ۲۰۰۲ : Davis & Jenkins) اینترنت فضایی را برای القاعده فراهم آورده که از آن به عنوان آکادمی پرورش تروریست استفاده می کردند. سخنرانی های بن لادن که بر روی نوارهای کاست و یا نوارهای ویدیویی و بعدها در قالب مصاحبه های تلویزیونی انتشار می یافت در کنار نشریات متعدد وابسته به القاعده در زمره نخستین استفاده های این گروه جهادی از رسانه بوده است. در سال ۱۹۸۰ نخستین کمیته رسانه ای القاعده تشکیل شد و همچنین سخنگویی بانام مستعار ابورتر نیز انتخاب گشت. تمرکز القاعده بر رهبران شان را به عنوان یک راهبرد کلاسیک رسانه ای قلمداد کرد، زیرا پرستیژ و کاریزمای بن لادن را بسیار بالا توصیف میکردند و او رابه صورت غریزی



مبلغی خوانند (Atwan, ۲۰۰۶: ۱۵۹) راهبرد اصلی بن لادن حضور خود در رسانه و صحبت مستقیم با مخاطبان بود. تجربه رسانه ای القاعده را می توان در سه مرحله دسته بندی کرد. طی مرحله اول تبلیغات، دوم انتشار ترورهای فیلم برداری شده و عمومی بر روی اینترنت و دوم طراحی مدل سایت النداء، به عنوان الگویی برای دیگر سایت های جهادی بود. سوم روی آوردن و اتکا کردن هرچه بیشتر القاعده به اینترنت است. و بعد ۱۱ سپتامبر دعوت مسلمانان به جهاد بوده است

### ۲- طالبان

طالبان را نمی توان بدون تحولات سیاسی و اجتماعی در افغانستان درک کرد. در این میان، حمله شوروی به افغانستان در ۱۹۷۹، یک نقطه عطف در شکل گیری طالبان بوده است. تاریخ افغانستان یک سطح بالایی از بی ثباتی، و مقاومت در مقابل حملات خارجی داشته که از آن به اصطلاح «قبرستان امپراطور ها» یاد می شود (Imran and Xiaochuan, ۲۰۱۵: ۶۶).

### مرحله اول شکل گیری و به قدرت رسیدن طالبان

حمله نظامی شوروی به افغانستان در ۱۹۷۹، و اشغال این کشور یک مرحله مهم از تاریخ سیاسی افغانستان است. ایالات متحده با حمایت مستقیم از دولت‌هایی منطقه ای مانند پاکستان و حمایت های مالی عربستان سعودی و تجهیزاتی از مجاهدین افغانی سعی در ضربه زدن به شوروی و موازنه سازی در جهان دوقطبی را برقرار نماید. با خروج شوروی در ۱۹۸۹ از افغانستان، با توجه به ساختار ضعیف دولت جنگ داخلی افغانستان و قدرت یابی طالبان شکل گرفت (Katzman, ۲۰۱۰: ۲۴-۲۸). تاریخ جنبش طالبان را باید در دو مقطع جداگانه در افغانستان مورد مطالعه و مورد بررسی قرار داد. جنبش طالبان تشکیل یافته از علماء و طلاب مدارس دینی که عمدتاً در پاکستان تحصیل کرده اند. با سازماندهی آنها در قالب گروه طالبان توانستند منطقه مرزی اسپین بولدک را به تصرف خود در آورند. (امیری، ۱۳۸۰، ۲۱-۱۱). پس از تسخیر کابل ولایت های شرقی و به دنبال آن با تصرف مزار شریف و بامیان حدود ۹۰ درصد افغانستان را تحت سیطره خود قرار دادند. (جوادی، ۱۳۸۸، ۴۴) کالبدشکافی طالبان، بیانگر این است که ستون فقرات نیروهای این گروه سلفی های وهابی، مولوی های تندرو، صوفی ها بودند. تفکرات و جهان بینی طالبان از یک طرف در اندیشه های سلفی - وهابی در عربستان و از طرف دیگر در اندیشه های دیوبندی در هند و پاکستان ریشه داشته و دارد. عوامل داخلی پیدایش و رشد طالبان را می توان در بی ثباتی سیاسی و جنگ داخلی پس از خروج شوروی، بحران اقتصادی، فقر فرهنگی، سنت های مذهبی تأثیر آموزش ها در مدارس مذهبی، مسائل قومی و عوامل منطقه ای مانند سیاست های پاکستان، رقابت عربستان با ایران و خصوصت امارات متحده عربی با ایران در منطقه، نقش مهمی در رشد و تقویت طالبان داشته است. و عواملی همچون (روسیه، آمریکا، انگلیس) را از جمله مهمترین عوامل بین المللی دخیل در رشد و تقویت این جنبش در افغانستان اشاره کرد (امامی، ۱۳۸۷، ۱۸۰-۸۰). باتوجه به حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر و حمایت طالبان از القاعده در نهایت یک هفته بعد از این حادثه، رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا جرج بوش، اسامه بن لادن مسئول این کار به عنوان مظنون اصلی معرفی نمود. بن لادن در موقع در افغانستان به سر می برد و به همین دلیل در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۱، در یک کنفرانس بین کنگره آمریکا، رئیس جمهور بوش ۵ شرط را برای طالبان مشخص نمود که آنها باید آن را انجام می دادند تا از حمله آمریکا به افغانستان جلوگیری می کرد.

۱- تمام رهبران القاعده به ایالات متحده تحویل داده شوند.

۲- تمام افراد خارجی زندانی در بند طالبان آزاد و به ایالات متحده تسلیم داده شوند.





۳- تمامی کمپ‌های آموزشی و استقراری تروریستی آن‌ها بسته شوند.

۴- تمامی تروریست‌ها و حامیان آن‌ها معرفی و به مقامات تحویل داده شوند.

۵- به ایالات متحده اجازه عام و تام برای دسترسی به کمپ‌های تروریستی و بررسی آن‌ها داده شود.

اما به دلیل امتناع و عدم همکاری طالبان با آمریکا، این کشور به افغانستان حمله و حکومت طالبان در سال ۲۰۰۱ م سقوط کرد.

### مرحله دوم به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان

طالبان به رهبری ملا عمر پس از مدتی در سال ۲۰۰۳ دوباره سازماندهی شدند و جنگ چریکی را علیه دولت مرکزی افغانستان و نیروهای پشتیبانی امنیت بین‌المللی (آیساف)، که متشکل از ایالات متحده آمریکا و اکثریت کشورهای ناتو بود، آغاز کردند. این گروه با بمب‌گذاری‌ها در جاده‌ها، کمین و حملات چریکی در مناطق روستایی و همچنین انفجارهای انتحاری در شهرها از سال ۲۰۰۶ کنترل مناطق مختلف افغانستان را به تصرف خود درآوردند. نیروهای ائتلاف بین‌المللی مجبور شدند تعداد نیروهای خود را افزایش دهند. در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ م ۱۴۰ هزار سرباز تحت فرماندهی آیساف حضور داشتند که ۱۰۰ هزار نفر آن‌ها سربازان آمریکایی بودند.

دولت اوپاما در ۲۸ دسامبر ۲۰۱۴ ماموریت جنگی نظامیان آمریکایی در افغانستان موسوم به "آزادی پایدار" پایان داد و با خروج بیشتر نظامیان آمریکایی ماموریت آنها آموزش، مشاوره و کمک به نیروهای امنیتی افغان آغاز شد. و کلیه مسئولیت‌های امنیتی را به دولت افغانستان منتقل گردید، اما نیروهای امنیتی افغانستان در حفظ امنیت موفق نبودند و طرح عقب نشینی نیز به شکست انجامید. ترامپ موضوع خروج نیروهای نظامی از افغانستان را در دستور کار قرارداد و مذاکرات صلح با طالبان را آغاز کرد. گفتگوها میان آمریکا و طالبان سرانجام در فوریه ۲۰۲۰ به امضای موافقت‌نامه صلح میان دو طرف انجامید. این موافقت‌نامه، دربردارنده عناصری چون خروج نیروهای آمریکا از افغانستان، آزاد کردن زندانیان توسط طالبان و دولت افغانستان و برگزاری گفتگو میان طالبان و دولت بود. با روی کار آمدن بایدن در ژانویه ۲۰۲۱ خروج نیروهای آمریکا را دستور خود قرار داد درحالی که ادعا می‌شد ۳۰۰ هزار نیروی افغانستانی توسط آمریکایی‌ها آموزش دیده و می‌توانند امنیت را برقرار نمایند طالبان در مدت کوتاهی کل افغانستان را تصرف نمود. هرچند رهبران آنها ادعا می‌کنند که رفتار این گروه نسبت به ۲۰ سال قبل تغییر یافته اما باید به انتظار آینده نشست.

### ۳- داعش (دولت اسلامی عراق و شام) :

پیدایش جنبش سلفی جهادی به شکل‌گیری القاعده طالبان و بعدها به شکل نوین در سال ۲۰۰۴ به تشکیل داعش، النصره و... با کمک‌های کشورهای آمریکا، انگلستان و متحدان منطقه‌ای آن بالأخص عربستان، قطر، امارات، ترکیه و رژیم صهیونیستی عمده بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به عنوان عوامل خارجی در به وجود آوردن آنها نقش اساسی داشتند دولت اسلامی شام و عراق از درون القاعده عراق، یک گروه شورشی که به ظاهر بر علیه حضور ایالات متحده در عراق بعد از سقوط صدام اقدام می‌کرد و همچنین افزایش نفوذ شیعیان در ساختار سیاسی جدید مبارزه را بر نمی‌تابید برای یک جنگ مذهبی پایه‌گذاری و به وجود آمد رهبر آن زمان این گروه ابومصعب زرقاوی، یک جنگجوی اردنی بود که با نامیدن گروه خویش با عنوان جماعت التوحید و الجهاد به دنبال براندازی پادشاهی اردنی بود، اما موفق نشد. او به عراق بعد از حمله آمریکا کوچ کرد و با القاعده در ۲۰۰۴، پیمان بست و در نتیجه به عنوان القاعده عراق شناخته شد. زرقاوی در ۲۰۰۶ به وسیله حملات هوایی ایالات متحده کشته شد. مرکز نقل القاعده در نواحی با اکثریت سنی عراق، بخصوص استان الانبار بود. در نتیجه آن به عنوان دولت اسلامی عراق در



۲۰۰۶ شناخته شد (۱۴-۱۲: ۲۰۱۴, Hashim). اندیشه های گروه برگرفته از همان اندیشه های سلفی القاعده است؛ با این تفاوت که به مراتب رادیکال تر از القاعده اهداف خود را دنبال می کند. سلفیه خود را پیرو «سلف صالح» یعنی پیشینیان نیکوکردار معرفی کرده و به برتری کامل وحی بر عقل اعتقاد دارند (پاکتچی، ۱۳۷۳: ۷۱۱). از نگاه این طیف احمد بن حنبل از آخرین نسل سلفیه محسوب می شود و به او تأسی می جویند. اندیشه سیاسی سلفی ریشه در آراء خوارج، حنابله و وهابیت دارد. طالبان، القاعده و داعش محصول فکری هر سه تفکر است که در چند دهه اخیر ظهور یافته و تلاش هر سه بر استقرار همان مبانی فکری سلفی از طریق شمشیر است. در واقع این سه با عبور از مباحث نظری سلفی به حوزه عمل وارد شده و مدعی هستند تنها با شمشیر می توان به عصر طلایی اسلام بازگشت.

### کنش اجتماعی، تبلیغی راهبرد رسانه ای داعش

مهم ترین وجه تعریف داعش را می توان بر اساس دو اصل خشونت و عدم پایبندی به اصول پذیرفته شده جهانی دانست. در واقع، داعش به دکترین خود، یعنی جنگ تمام عیار، بدون هیچ محدودیتی اتکا دارد. آن ها حتی مصالحه با رقیبان سنی خود را بر نمی تابند. مجموعه ای از علمای سنی که حتی بعضی از آن ها به عنوان چهره های سلفی شناخته می شوند همواره مورد تهدید از طرف داعش قرار گرفته اند (Rumiyah, ۹: ۲۲-۲۵) داعش در راهبرد رسانه ای خود تمرکز خاصی برای مشروعیت زدایی از سایر جریان های اهل سنت داشت برخلاف القاعده، به هیچ اصول اخلاقی برای توجیه کارهای خود پایبند نبود و اصل در رویکرد رسانه ای داعش بازتاب گسترده ای داشته است. در حقیقت، بهره گیری داعش از فضای مجازی را می توان در میان تمام گروه های جهادی در سطح منسجم ترین راهبرد ارزیابی کرد. داعش در راستای بهره گیری از فناوری های نوین ارتباطی و رسانه ای و هدایت افکار عمومی از مؤسسات رسانه ای گوناگونی مانند مرکز رسانه ای الفرقان و دیگر به نام الحیات استفاده می کرد. الفرقان بر ای نشان دادن قدرت نظامی داعش و باز نشر پیام های رهبران داعش متمرکز شده بود. و محصولاتش مانند شمشیرهای بُرآن، کاروان های شهذازمین بین النهرین، گردان کردستان در دولت اسلامی عراق و شادی مسلمانان با قیام دولت یکتاپرستان به نمایش گذاشت مرکز رسانه ای دیگر به نام الحیات بود که به شبکه الجزیره ۸ بسیار شبیه بود و در شهرهای تحت کنترل داعش دارای شعبه بود و مسئولیت نظارت بر بخش های رسانه ای مناطق تحت کنترل داعش مانند الرقه، الانبار و کرکوک را بر عهده داشت. داعش در مهم ترین تاکتیک رسانه ای خود، تصاویر لحظه جدا کردن سر یا به آتش کشیدن اسیران جنگی را به طور تهوع آوری به روی آنتن می برد و خشونت را به شکل وحشانه ترین آن به نمایش گذاشته است. از تکنیک هایی که داعش برای پیوستن اعضای جوان به میان نیروهایش استفاده می کرد، بهره گیری از شبکه های اجتماعی همچون توئیتر، فیس بوک و اینستاگرام بازی های ویدئویی و فعالیت های سرگرم کننده فراغت است که داعش از آن برای تحریک کودکان به خونریزی مجازی، به خوبی بهره می گرفت (Jacobs, ۲۰۱۵: ۱۰) از دیگر راهبردهای رسانه ای داعش ایجاد علاقه و انگیزه در بینندگان جهت پیگیری برنامه ای آن است. با توجه به اخبار منتشر شده نیروهای پیوسته به گروهک داعش را شش طیف تشکیل می دهند که رسانه های داعش نقش مهمی در جذب نیرو برای این گروه بر عهده داشتند:

۱- جوانان عرب سنی، ساکن در مناطق قبیله ای عراق که دارای احساسات پرشور مبارزاتی بوده و بیشتر به دلیل علاقه مندی به اقدام مسلحانه جذب داعش شده اند.

۲- اهل سنت عرب ساکن در استان های نینوا، الانبار و صلاح الدین که در اعتراض به عملکرد دولت شیعی عراق و احساس کم توجهی دولت به این مناطق و اهل سنت، گرایش به سمت داعش پیدا کرده اند.





۳- تندروهای اهل سنت نزدیک به گرایش وهابی گری که با استقبال از اندیشه های سلفی داعش تنها راه رسیدن به اهداف خود را همکاری با داعش می دانستند

۴- عناصر سابق حزب بعثی عراق که در انتقام از شرایط موجود و خروج از اریکه قدرت، همکاری با داعش را در دستور خود قرار دادند.

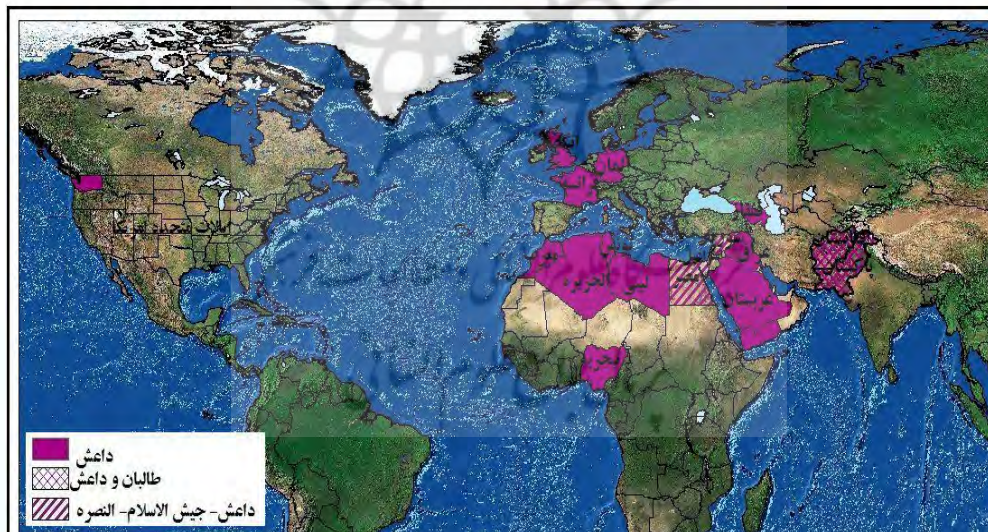
۵- سلفیون و عناصر تکفیری غیر عرب مانند چچنیا و افغانها که از تجربه نظامی خوبی در جنگ های سابق در چچن و افغانستان برخوردار بودند.

۶- مزدوران سودانی و لیبیایی که دارای سابقه حضور در کشورهای عربی و از جمله عراق را داشتند

### تشکیل حکومت اسلامی

فلسفه اصلی تشکیل گروههای تکفیری، تشکیل به اصطلاح خلافت اسلامی و اجرای آموزه های دینی البته با تفسیر خاص خود است. اظهارات بغدادی در نماز جمعه تیرماه ۹۳ موصل بیانگر آن است که گروه داعش با ارائه دیدگاه های نظری و اقدام نظامی، سعی داشت موقعیت خود را در بین اهل سنت و مخالفین شیعه و دولت های سکولار منطقه تثبیت نموده و تلاش داشت تا از طریق طرح استقرار به اصطلاح حکومت اسلامی با مرکزیت عراق موجودیت خود را به اثبات برساند. ۱۳ تیرماه ۹۳ بغدادی سخنانی بیان می کند برای آگاهی مردم آمده و توده به عنوان رعیت باید از خلیفه مسلمین ابوبکر بغدادی اطاعت کنند تا حکومت اسلامی برپا گردد. داعش اولین گروه تروریستی است که پدیده قلمرو خواهی و قلمرو اداری را در درون دولت های مستقل و به شکل فرا ملی به اجرا در آورد.

نقشه شماره ( ۲ ) کشورهای حوزه نفوذ ۵ گروه تروریستی



ماخذ رساله دکتری جغرافیای سیاسی ( مرضیه مختاری واحد علوم تحقیقات تهران ۹۵

### منابع مالی

منابع مالی و تسلیحاتی داعش در عراق و سوریه را به چند قسم می توان تقسیم نمود:

۱. کمک های خارجی از طریق قدرتهای بین المللی و برخی از کشورهای حوزه ی خلیج فارس، رژیم صهیونیستی و اردن.

۲. بهره برداری از منابع نفتی در مناطق تحت سلطه ی آن در سوریه و عراق.



داعش در جولای روزانه یک میلیون بشکه نفت عراق را به فروش رساند اما این میزان در اوت به روزی ۲ میلیون بشکه افزایش یافت. با این میزان فروش، داعش می‌تواند سالانه ۷۳۰ میلیون دلار درآمد نفتی کسب کند. داعش نفت را از طریق مرزهای ترکیه و اردن می‌فروشد. در واقع ترکیه بخشی از نیازهای نفتی خود را از طریق تروریستهای داعش تأمین میکند (siasi.aja.ir/Portal)

۳. قاچاق، چپاول و تحمیل مالیات بر ساکنان و تجار مناطق تحت نفوذ

### نابودی داعش

بعد از یک مبارزه سنگین بین محور مقاومت و گروه‌های تروریستی و حامیان منطقه ای و جهانی ایشان به رهبری آمریکا، و تلاش‌های ایران جهت مبارزه با داعش و دیگر گروه‌های تروریستی و در راستای حمایت از دولت‌های قانونی عراق و سوریه با بسیج نیروهای مردمی به ویژه شیعیان از کشورهای ایران، عراق، سوریه، لبنان، افغانستان، پاکستان، یمن تحت عنوان مدافعان حرم اهل بیت به فرماندهی شهید سپهبد قاسم سلیمانی داعش را در عراق نابود، و با پشتیبانی هوایی روسیه در سوریه برای همیشه به کار داعش پایان دادند و پایان کار آن را شهید سپهبد قاسم سلیمانی به کل جهان مخابره نمود.

### ۴- جبهه النصره

در اواخر سال ۲۰۱۱ و اوایل ۲۰۱۲، گروه تروریستی «جبهه النصره» به طور رسمی اعلام موجودیت کرد و خود را متعلق به قدس دانست. در سپتامبر سال ۲۰۱۲، شش گروه اسلامی «جبهه النصره سوریه» و «جبهه آزاد سوریه» در گروه اسلامی «جبهه آزادی سوریه» متحد شدند و در نوامبر ۲۰۱۳ به طور رسمی «جبهه النصره» نوین را تشکیل دادند. (ماچیان، ۱۳۹۴، ۶۸) این گروه یک نیروی مقاومت ملی اسلامی و سنی در برابر نیروهای حکومتی سوریه در جنگ داخلی سوریه می‌باشد (هدف اصلی جبهه النصره براندازی رژیم بشار اسد و نیز گروه‌هایی که از این رژیم حمایت میکنند به ویژه حزب الله می‌باشد و در اغلب حملات خود نیروهای دولتی را مورد هدف قرار می‌دهند (jump up to navigation.) تعداد نظامیان فعال جبهه النصره در سوریه در گزارش واشنگتن پست در سال ۲۰۱۱ بین ۶ هزار نفر تا ۱۰ هزار نفر برآورد شده (ایگناتیوس، ۲۰۱۲) و طی سالهای ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ در اوج قدرت این گروه ۱۰ هزار تا ۱۵ هزار نفر تخمین زده شده است.

### کانالهای تأمین منابع مالی

مهمترین کانالهای مالی گروه النصره عبارتند از -هسته القاعده مرکزی تأمین کننده اولین کمک‌های مالی به النصره بعد از تشکیل می‌باشد -شبکه مبلغین، سازمانهای خیریه و افراد ثروتمند در کشورهای کویت، عربستان، قطر و... اینها طرفدار آرمان این گروه هستند (زیادوزوهولمز، ۲۰۱۳).

-جذب کمک‌های خارجی برای پشتیبانی از این گروه از طریق هوایی و با نظارت سازمان سیا به دست آنها می‌رسد -استفاده از امکانات مالی در مناطق تصرف شده در سوریه

### کنش اجتماعی، تبلیغی و عضوگیری در دولت شهرهای اشغالی

این این گروه دارای شبکه تلویزیونی اختصاصی به نام المناره البيضاء است و برای پخش ویدئوهای تبلیغاتی به شکل مستند که مصاحبه با عوامل انتحاری و انفجار بمب توسط خودرو می‌باشد نمایش داده می‌شود و رفتار رسانه ای آنها به دو دلیل متفاوت از گروه‌های دیگر می‌باشد ۱-میزان ابهامی که رهبر این گروه مایل است در انتظار عمومی به نمایش بگذارد ۲- گروه النصره اغلب مسئولیت حملات خود را بر عهده نمی‌گیرد





این گروه از اینترنت نیز استفاده زیادی می کند و در ژانویه ۲۰۱۳ برای خود پایگاه اطلاع رسانی تاسیس نمود و صفحه ای در فیسبوک داشت که در ژانویه ۲۰۱۳ بیش از ده هزار نفر دنبال کننده داشته است (جبهات النوصر ۲۰۱۳) در شیوه عضو گیری این گروه از تزکیه استفاده می شود که مهارت، تعهد مذهبی و توانایی های اعضا برای پیوستن به گروه باید توسط دو نفر از فرماندهان خط مقدم این گروه تایید می شد. (بنوتمان و بلیک ۲۰۱۳)

### ۵- جیش الاسلام

در گذشته (کتاب اسلام\_ سربه اسلام) و سپس (لواء اسلام و پریگارد اسلام) نام داشت و به ائتلافی از گروههای اسلام گرا و سلفی گفته می شود که در جنگ داخلی سوریه درگیر است. این سازمان در واقع در حومه دمشق و غوطه شرقی محل اصلی فعالیت این گروه در "دوما" بزرگترین و سازمان یافته ترین گروههای شورشی سوریه محسوب می شود که به جهت کارآمدی و نظم، حتی مورد احترام گروههای غیر اسلامی است. این گروه هم اکنون بخشی از "جبهه اسلامی است. و با گروههای دیگر همچون "جبهه النصره و ارتش ازاد همکاری دارد. (www.wikipedia.com) جیش الاسلام<sup>۱</sup> در قالب چتر سازمان های مهاجمین اسلامی است که با حمایت عربستان سعودی بر علیه رژیم بشار اسد مبارزه می کند. این گروه یکی از برجسته ترین سازمانهای مهاجم است. (ICC, ۲۰۱۵, ۱۳) این گروه یکی از چندین نیروی مسلحی است که کنسول غوطه شرقی را شکل می دهند و تحت پشتیبانی عربستان سعودی هستند. (PIERRET, ۲۰۱۴, ۱-۶) لیوا آل اسلام<sup>۲</sup> (که به جیش الاسلام معروف شده) فعالیتهای عملیاتی در دمشق را از دور هدایت میکنند. این تلاش ها در جهت به دست آوردن متصرفات در پایتخت سوریه است و هدف نهایی آنها آماده شدن بر علیه نیروهای رژیم اسد در سوریه است. گروه لیوا آل اسلام نیز معروف به همکاری با جبهه النصره است. (CARTALUCCI, ۲۰۱۶, ۱-۴) فرمانده این گروه را زهران علوش بر عهده دارد که در سپتامبر ۲۰۱۳ اعلام موجودیت نمود. جیش الاسلام دارای ۵۰ گروه با تفکر سلفی افراطی است که بیشتر در دمشق و حومه آن فعالیت می کنند (میرزایی، ۱۳۹۶، ۳۱۵) وزیر امور خارجه آمریکا، جیش الاسلام را به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی طبق بند ۲۱۹ قانون مهاجرت و ملیت اعلام کرد. ایدئولوژی سلفی جهاد - جهانی مشترک همراه با مدل های شنی از مقاومت مسلحانه فلسطین می باشد. جیش اسلام یکی از قدیمی ترین و قدرتمند ترین گروههای جهادی غزه گزارش شده است. این گروه با احرار الشام رقابت می کند و در زیر مجموعه جیش الفتح قرار دارد. (TULIESEN, ۲۰۱۵, ۱۸-۲۴)

### ۶- وجوه اشتراک گروههای شاخص پنج گانه

بنیادگرایی سنی همواره از ویژگی های غالب در خاورمیانه و افغانستان بوده است. در واقع، به نظر می رسد که شکست دولت - ملت سازی، عدم مشروعیت سیاسی دولتها، ضعف های اجتماعی و اقتصادی، شرایطی را در خاورمیانه فراهم نموده، که به پدیده بنیادگرایی و تروریسم به چهره غالب در خاورمیانه تبدیل نموده است. از جمله نموده های آشکار این موضوع، منازعات داخلی سوریه و عراق است که به مرکز کانونی بنیادگرایی امروزه خاورمیانه تبدیل شده است. در این راستا، در این بخش گفتمان های سیاسی گروههای عمده طالبان، القاعده، داعش، جبهه النصره و جیش السلام به عنوان گروههای عمده بنیادگرا در خاورمیانه بررسی خواهد شد. کانون کثرت و تمرکز گروههای افراطی در خاورمیانه از افغانستان شروع تا شمال آفریقا دنباله آنها تقریباً به صورت پیوسته از نظر جغرافیایی ادامه دارد هر چند که عملکرد آنها به شکل جزیره ای و بعضاً مجزا می باشد. بنابراین با توجه به روش مطالعه تطبیقی بر اساس شاخص های بیست و

<sup>۱</sup> the Islamic Army

<sup>۲</sup> Liwa - al - Islam



- پنج گانه اهم از ( مشخصات عمومی و حوزه نفوذ، ایدئولوژی، رهبران، متحدان و مخالفان، استفاده از رسانه، عوامل داخلی و خارجی شکل گیری، متصرفات، اقدامات مهم، اهداف و نقش‌ها، منابع مالی و کشورهای حامی آنها، ساختار سازمانی، اصول فکری، شعبات و نیروی نظامی و لجستیکی، هسته پیدایش، سطوح فعالیت، استراتژی، دشمن، تبلیغات و جنگ روانی، اندیشه سیاسی، پرچم و نماد و شعارها ) می توان به مهمترین وجوه شباهت و تفاوت در شکل شماره ۲ و ۳ اشاره کرد. با توجه به شکل شماره ۲ در این خصوص ۲۰ شباهت و ۸ تفاوت را بیان کرد. در شکل شماره ۳ نیز بر اساس مدلی برگرفته از جداول شکل شماره ۲ می توان اینگونه بیان داشت که کمترین تفاوت را جبهه النصره و بیشترین تفاوت را گروه داعش دارا می باشد که از نظر ساختاری با دیگر گروه‌ها بسیار متمایز هست.
- ۱- (ایدئولوژی) ایدئولوژی که بر گفتمان دین اسلام در منطقه خاورمیانه شکل گرفته و بنیادی ترین مولفه مشترک تمامی گروه‌های تکفیری در منطقه را به تشکیل می دهد. ایدئولوژی که پایه مذهب است و دیدگاه منحرفانه‌ای آغشته از تفسیر به رای و آمیخته‌ای از اعتقادات محلی از جمله قرائت‌های خاص فرقه‌های دیوبندیه - وهابیت - سلفیه - نقشبندیه - هندویسم را با خود با نام اسلام متجلی ساخته است.
  - ۲- خاستگاه جغرافیایی: ریشه شکل گیری آنها در شبه جزیره عربستان می باشد که مهد دین اسلام و مرکزیت جهان اسلام می باشد. گرچه افغانستان و پاکستان جز شبه جزیره عربستان محسوب نمی شوند، اما به دلیل اشاعه ایدئولوژی اسلامی به آنجا و ظهور اولین گروه می توان این منطقه را هم جز این قلمرو به حساب آورد.
  - ۳- اعتقاد راسخ به (جهاد در راه خدا). فقه کلاسیک اسلامی اعم از اهل سنت و شیعه، جهاد را بر دو نوع ابتدایی و دفاعی تقسیم می کند.
  - ۴- تکفیر یک حکم شرعی است و مثل حرام و حلال باید معیارش از سوی خدا و رسول تعیین شود.
  - ۵- ضدیت با تشیع یا شیعه ستیزی است.
  - ۶- ناکامی سیاسی و رانده شدن از بدنه قدرت یکی دیگر از خصوصیات مشترک این گروه‌ها می باشد که این امر در کشورهای مصر - عربستان - افغانستان - عراق و سوریه بگونه‌ای بود که شکاف فزاینده بین آنها و حکومت، وانجام آنها را به سمت تشکیل گروه‌های تکفیری در منطقه ترغیب کرد.
  - ۷- مدل برپایی حکومت اسلامی و احیای خلافت یکی از عمده ترین علایق سیاسی این گروه‌ها را تشکیل می دهد.
  - ۸- تشکیل حکومت اسلامی که بتوانند حکومت مبتنی بر دین را به عنوان حکومت اسلامی مانند جمهوری اسلامی ایران را در منطقه ایجاد کنند و در قالب دین و احکامش به هویت خود مشروعیت دهند.
  - ۹- خشونت و ایجاد رعب و وحشت و جنگ روانی
  - ۱۰- قلمرو خواهی، قلمرو گرایی و قلمروسازی بسیاری از این گروه‌ها به دنبال فتح سرزمین‌های اسلامی منطبق بر نقشه جهان اسلام اند.
  - ۱۱- از دیگر اشتراکات آنها اصول فکری وهابیت و بر (طبق سلفی گری یا بازگشت به سلف صالح) است.
  - ۱۲- تقابل با غرب و همپیمانانش به خصوص آمریکا در ظاهر یکی از محوری ترین باورهای آنان است و در باطن آلت دست آنها می باشند.
  - ۱۳- اعتقاد به شهادت از دیگر خصوصیات برجسته اعضای این گروه‌ها ست.
  - ۱۴- وجود یک دشمن و تداوم آن برای ادامه حیات این گروه‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و همواره درصدد تعریف دشمن جدیدی برای خود هستند.





۱۵- اشتراک در شعارهایی مانند (مبارزه با کفر - استبداد - ستمگری - وعده احیای سنت‌های الهی - تشکیل حکومتی مبتنی بر شریعت اسلامی

جدول (۱) اشتراکات گروه‌های شاخص پانجگانه

۱- مولفه مکانی - جغرافیایی	۱- خواستگاه جغرافیایی و ظهور در شبه جزیره عربستان
۲- مولفه مذهبی - ایدئولوژیک	۱- ایدئولوژی بر حسب دین اسلام
	۲- جهاد
	۳- تکفیر و تفسیق
	۴- احیای خلافت
	۵- تشکیل حکومت اسلامی
	۶- ضدیت با تشیع
	۷- اصول فکری سلفی - وهابیت -
	۸- مفهوم شهادت
	۹- اشتراک در شعارها و اهداف و اصول فکری و استراتژی: از جمله تشکیل حکومت اسلامی - احیای خلافت - ضدیت با غرب و تشیع
	۱۰- اشتراک در اندیشه‌های سیاسی متفکرانی همچون احمد بن حنبل - ابن تیمیه - عبدالوهاب - سید قطب
۳- مولفه سیاسی	۱۲- اشتراک در مبانی فقهی (توسیع بدعت - اصالت حرمت - توسیع عبادت و پرستش - توسیع شرک و کفر - ظاهر گرایی - عقل ستیزی
	۱- ناکامی سیاسی و رانده شدن از قدرت
	۲- استفاده از ابزار خشونت و جنگ روانی
	۳- وجود یک دشمن و تداوم آن
	۴- متصرفات - قلمروسازی و قلمروگرایی
	۵- حامیان منطقه‌ای و جهانی مشترک
	۶- نا امنی و بی ثباتی در منطقه خاورمیانه - تجزیه کشورها - براندازی دولت‌های سکولار اسلامی
	۷- وجود رهبران
	۸- ایجاد - سازماندهی - احیا و قدرتمندی از ۱۹۹۰-۲۰۱۶
	۹- اشتراک در عوامل داخلی (بی ثباتی سیاسی - خلا قدرت - جنگ شوروی و ایالات متحده در منطقه
۱۰- اشتراک در عوامل خارجی (حمایت‌های پاکستان - عربستان - کشورهای متحده عربی و ایالات متحده امریکا	
۴- مولفه فرهنگی - اجتماعی	۱۱- اشتراک در پرچم و نماد
	۱- ضدیت با غرب و همپیمانانش به خصوص آمریکا و انگلیس - ضدیت با مدرنیته و نوآوری و تجدد
۵- مولفه اقتصادی	۲- تقابل غرب و جهان اسلام
۶- مولفه نظامی	تأمین منابع مالی از طریق ذکات و خراج
	تاسی به قدرت نیروی نظامی به خصوص نیروی زمینی



جدول (۲) تعارضات گروه‌های شاخص پنجگانه

۱- ساختار عربی- خارجی	جغرافیایی
۲- حوزه نفوذ جغرافیایی - افغانستان - پاکستان - عراق - منطقه شامات	
۳- هسته پیدایش	
۱- ایدئولوژی: طالبان (دیوبندیه - هندویسم - وهابیت) سایر گروه‌ها (وهابیت- سلفیه) داعش (اعتقاد به مهدویت) سایر گروه‌ها عدم اعتقاد به آن	۲- مولفه مذهبی - ایدئولوژیک
۲- اندیشه سیاسی طالبان با چهار گروه دیگر طالبان (ابوعلامودودی)	
۳- اصول فکری - ضدیت با غرب و تشییع	
۴- شعارها: القاعده و جیش (آزادسازی قدس) سایر گروه‌ها: ایجاد حکومت اسلامی	
۱- دشمن (القاعده اولویت اول ایالات متحده آمریکا) سایر گروه‌ها (تشییع)	۳- مولفه سیاسی
۲- شعبات حضور در کشورها	
۳- سطح فعالیت	
۴- متحدان	
۵- مخالفان	
۶- اهداف و نقش‌ها	
۷- اقدامات مهم (عملیات‌ها در مناطق مختلف)	۴- مولفه فرهنگی - اجتماعی
۸- در به کارگیری خشونت و جنگ روانی (داعش از سایر گروه‌ها بیشتر است)	
۹- حامیان مالی	
نحوه استفاده از فضای مجازی (داعش و القاعده نسبت به سه گروه دیگر بیشتر)	۵- مولفه اقتصادی
منابع مالی داعش و جبهه النصره فروش نفت و القاعده (موسسات تجاری- ثروت موسس و حمایت‌های مالی کشورهای حامی) - طالبان (مواد مخدر)	
حجم و تعداد نیروها و لجستیک و تاکتیک	۶- مولفه نظامی

### ۷- تاثیر بر امنیت ملی ایران

#### تحدید عمق استراتژیک ایران

با توجه به روابط ایران و سوریه و حضور رژیم اشغال گر قدس در کنار مرزهای سوریه جمهوری اسلامی ایران خط مقدم مبارزه با اسرائیل است و ایران برای خود عمق استراتژیک به وجود آورده است. وجود بی ثباتی در سوریه عراق، و کمک‌های مستشاری ایران به این دولتها باعث گردید نه تنها آمادگی و توان رزم نیروهای مسلح کشورمان بالا برود بلکه تجربه آنها در جنگ چریکی و به ویژه جنگ شهری و زیرزمینی در محدوده شهری افزایش داده شد و گروه‌های شیعه نیز از کشورهای مختلف در این کارزار تجربیات گرانبهایی را برای مقابله با تحرکات خارجی در جنوب غرب آسیا به دست آوردند.





### فراهم کردن بستر مداخله سیاسی و نظامی قدرت‌ها فرامنطقه‌ای

تا سال ۹۵ در سوریه بیش از ۲۰ گروه تروریستی بزرگ فعالیت می‌کردند که حوزه عملیاتی برخی از آنها فراتر از سوریه بود. به طوری که هر روز امکان افزایش گروه‌های تروریستی خلق الساعه با دلارهای نفتی کشورهای عربی و شبکه مبارزان القاعده وجود داشت با اقدامات تروریستی که برخی از این گروه‌ها در پاریس و بلژیک و... انجام دادند و زمینه لازم و بهانه مناسب را برای تشکیل ائتلاف مقابله با تروریسم و داعش توسط آمریکا و همپیمانانش جهت مداخله سیاسی نظامی را فراهم نمودند.

### بعد نظامی

بی تردید به منظور رخ‌نمایی توان بازدارندگی و نظامی، ایران باید هزینه‌های زیادی را چه در حوزه مرز و چه در حوزه نزدیک به مرز متحمل شود جنگ نظامی و عینی‌شدن هزینه‌ها و ظرفیت‌های بسیاری را مشغول خود خواهد ساخت و منابع انسانی و اقتصادی زیادی را خواهد بلعید یکی از دغدغه‌ها و مسائل امنیتی ایران، حفظ امنیت نسبی در هیاهوی بی‌نظمی و ناامنی کشورهای همسایه و همجوار بوده است. تاریخ ایران پر از حادثه بوده است؛ این واقعیت جزء متواترات تاریخ ماست. برحسب آمار حدود ۱۲۰۰ جنگ با مقیاس بزرگ و هزاران جنگ منطقه‌ای و محلی در تاریخ ایران رخ داده است (فراستخواه، ۱۳۹۴: ۱۲۴).

### تضعیف در حاکمیت و شکاف در محور مقاومت

استقرار دولت مرکزی در عراق و سوریه و تحقق یک حاکمیت یکپارچه در حوزه سرزمینی کشورهای محور مقاومت برای جمهوری اسلامی ایران بهترین حالت و در واقع ایده‌آل است تحولاتی که در سوریه و عراق اتفاق افتاد به این کار خدشه وارد نمود توان دولت در سوریه جهت مقابله با رژیم صهیونیستی و تهدیدات آن با کاهش چشمگیری مواجه گردید در عراق هم همین مساله به وجود آمد و راه‌های ارتباطی با منطقه شامات قطع و خسارت‌های مالی و انسانی زیادی به عراق تحمیل گردید و عملکرد گروه‌های تروریست سلفی و تکفیری باعث تغییر اولویت تضاد امت اسلامی با اسرائیل به سمت داخل جهان اسلام و بر اساس مبانی مذهبی شد (شیرازی و همکاران، ۹۳: ۵۷).

### رقابت گفتمانی بین شیعه و سنی

تحولات در سوریه، عراق، لبنان، یمن که منجر به حضور گروه‌های تکفیری و شکل‌گیری منازعه‌ای بی‌پایان شده است خواسته یا ناخواسته زمینه را برای رقابت میان فرق اهل تشیع و تسنن فراهم نموده است. هرچند این تقابل در همه این مناطق یکسان نیست و از شدت و ضعف برخوردار است اما برای کشورمان در گذشته حال و آینده مشکلاتی را در پی خواهد داشت و در هر دوره نام‌ها و تاکتیک‌های آنها با توجه به حامیان صهیونیستشان متفاوت است و جا دارد مسئولان و متولیان سیاسی و مذهبی در بسیاری از کشورها با درایت تر عمل نمایند و تقریب مذاهب نقش عملی مهمتری ایفا نماید.

### به هم خوردن موازنه به نفع رقبای منطقه ای ایران

از نگاه کشورهایمانند عربستان و قطر بحران سوریه و عراق فرصتی را برای سدکردن نفوذ رو به رشد ایران در عراق و شامات فراهم کرده است تا از این طریق بتوانند مواضع و جایگاه خود را نیز تقویت کنند به اعتقاد بسیاری جبهه سوریه و عراق محل تلاقی نیروهای مقاومت به رهبری ایران و کشورهای محافظ هکار عربی به رهبری عربستان است و شکست هر یک از طرفین در این جنگ نیابتی، به معنای برتری دیگری در منطقه است. نفوذ ایران در حوزه فلسطین و لبنان چالشی سمبلیک برای اعتبار پادشاهی سعودی در جهان اسلام محسوب می‌شود. ایران از طریق



پیوندهای نزدیکی که با سوریه برقرار کرده توانسته که نفوذش را در لبنان و فلسطین افزایش دهد. بنابراین پیروزی داعش و گروه‌های تروریستی دیگر کفه ترازو را برای رقبای دیگر در منطقه سنگین تر می‌کند.

### نتیجه گیری:

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که، شکل‌گیری گروه‌های بنیادگرا به شکل اساسی ساخت دولت، و ژئوپولیتیک منطقه‌ای خاورمیانه را با تغییر مواجهه نموده است. در بعد نخست، شکل‌گیری این گروه‌ها، باعث شکننده نمودن ساخت سیاسی این دولت‌ها بخصوص در افغانستان، عراق و سوریه شده است. در واقع، هر چند این دولت‌ها با مشکل فرایند دولت-ملت سازی مواجه هستند، ولی این گروه‌ها با استفاده از ضعف مشروعیت سیاسی و ناکارآمدی سیاسی، تضادهای سیاسی این دولت‌ها را بیشتر نموده، که در قالب منازعات فرقه‌ای - مذهبی نمود پیدا کرده است. در بعد ژئوپولیتیک منطقه‌ای، این بحران‌ها باعث شکل‌گیری ژئوپولیتیک جدیدی از بحران‌های منطقه‌ای شده است، که در قالب گسترش حوزه قلمرویی فعالیت این گروه‌ها بخصوص در منطقه شامات و عراق شده است. در واقع، این گروه‌ها با استفاده از عدم ثبات سیاسی و نارضایتی گروه‌های مختلف مذهبی - فرقه‌ای، از این شرایط در جهت افزایش حوزه قلمرویی خویش در منطقه بهره جسته، و ژئوپولیتیک جدیدی از بحران را با مرکزیت عراق و سوریه به وجود آورده‌اند. در نتیجه، به نظر می‌رسد که در کوتاه مدت و میان مدت، فعالیت گروه‌های بنیادگرا همچنان از شاخص‌ها و پویایی‌های امنیتی منطقه خاورمیانه باشد. همچنین، علی‌رغم شباهت‌های قابل توجه میان گفتمان‌های سیاسی جریان‌های بنیادگرای اسلامی در خاورمیانه، تفاوت‌های قابل توجهی نیز میان آنها وجود دارد. در واقع، شباهت‌های این گروه‌ها متأثر از چهار چوب ایدئولوژیکی و مذهبی این بازیگران است که به طور کلی همه این گروه‌ها را می‌توان در ذیل جریان سلفی - سنی مورد بررسی قرار داد. بطور کلی، چهار چوب ایدئولوژیکی - مذهبی باعث شده که این گروه‌ها رویکرد مشابهی نسبت به غرب و تشیع به عنوان دشمنان اصلی خویش داشته باشند، و همچنین باعث شکل-گیری احیای خلافت اسلامی به عنوان یکی از پارادایم‌های اصلی در گفتمان این گروه‌ها شده است. دیگر شباهت‌های این گروه‌ها نیز در شکل شماره دو به اختصار ذکر شده است. اما در بعد تفاوت‌ها، به نظر می‌رسد که محیط سیاسی و ساختار سازمانی متفاوت باعث تفاوت‌های قابل توجه میان این گروه‌ها شده است، که بیشتر در استراتژی‌ها و دستور کار سیاسی متفاوت این گروه‌ها نمود پیدا کرده است. بطور کلی مهم‌ترین رئوس تفاوت‌های این گروه‌ها را می‌توان در اولویت در دشمن شناسی (شیعه یا غرب)، سطوح فعالیت‌های منطقه‌ای و جهانی، ساختار قومی قبیله‌ای، اهداف و نقش‌ها، منابع مالی و استفاده از فضای مجازی و مخالفان طبقه بندی نمود.





### منابع و ماخذ:

- ۱- الطویل ، کمیل ، القاعده و خواهرانش ، ترجمه محمد علی پوشی و محد رضا بلوردی ، تهران ، موسسه مطالعات اندیشه سازان نور ، ۱۳۹۱
- ۲- امیری ، مهدی ، ریشه های ظهور و قدرت یابی طالبان ، پایان نامه کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی ، ۸۰-۱۳۷۹
- ۳- ابراهیمی ، نبی الله ، گفتمان اسلام سلفی و جهانی شدن امنیت خاورمیانه ، فصلنامه مطالعات راهبردی سال ۱۳ ، شماره ۴ ، زمستان ۱۳۸۹
- ۴- اقبال ، اسماعیل ، شریفی ، حسن ، میر سندسی ، سید محمد ، درستی ، احمد ، بررسی فرهنگ گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان سلفی ، دو فصلنامه پاسداران فرهنگی انقلاب اسلامی ، دانشگاه افسری و تربیت پاسداران امام حسین ، سال سوم ، شماره ۷ ، بهار و تابستان ، ۱۳۹۲
- ۵- امامی ، حسام الدین ، افغانستان و ظهور طالبان ، ۱۳۷۸
- ۶- جمشیدی راد ، علی ، فرقه وهابیت و اهداف سیاسی آن ، فصلنامه مطالعات سیاسی ، ۱۳۹۱
- ۷- فراسخواه ، مقصود. (۱۳۹۴). ما ایرانیان، تهران: نشر نی.
- پاکتچی ، احمد. (۱۳۹۰) زمین ههای تاریخی سلفیه، در بنیادگرایی و سلفیه. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۸- عباسی ، حسن ، بررسی و ارزیابی القاعده ، چگونگی و چرایی ظهور و افول آن (۲۰۰۱-۲۰۱۰) ، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی ، دانشگاه مازندران ، ۱۳۸۹
- ۸- نخلستانی ، حامد ، قادری ، نفیسه ؛ نگاهی گفتمانی به اسلام هراسی ، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام ، سال دوم ، شماره ۴ ، زمستان ۱۳۹۱
- ۱۰- محمودیان ، محمد ، تاثیر اندیشه های نو سلفیسم بر روند فکرت ایدئولوژیک القاعده ، پژوهشنامه علوم سیاسی ، سال هفتم ، شماره ۳ ، تابستان ، ۱۳۹۱
- ۱۱- Atwan, A. B. (۲۰۰۶), *The Secret History of Al Qaeda*, London: Abacus
- ۱۲-Imran, Ali and Xiaochuan, Dong (۲۰۱۵) "ANALYTICAL HISTORY OF ORIGINS OF DARKNESS IN AFGHANISTAN", *European Journal of Business and Social Sciences*, Vol. ۴, No. ۰۱, April ۲۰۱۵.
- ۱۳-Katzman, K. (۲۰۱۰). *Afghanistan: Post-Taliban Governance, Security, and US Policy*. Diane Publishing.
- ۱۴-Hashim, Ahmed S (۲۰۱۴) 'The Islamic State: from Al-Qaeda affiliate to caliphate', *Middle East Policy Council Journal*, Winter ۲۰۱۴, Volume XXI, Number ۴.
- ۱۵-Hassan Hassan, (۲۰۱۴) 'More Than ISIS, Iraq's Sunni Insurgency', *Sada, Carnegie Endowment for International Peace*, ۱۷ June ۲۰۱۴.
- ۱۶-christopher.Blancard,(۲۰۱۶)The Islamic State and US Policy Crs.Congressional research service



۱۷-Jacobs, Ryan (July ۲۰۱۵), Daesh and Social Media Platforms, See discussions, stats, and author profiles for this publication at

<https://www.researchgate.net/publication/۲۸۱۴۹۳۸۰۴۲۰۱۳>.

Holmes, Oliver , and Alexander Dziadosz. ۲۰۱۳. [Special Report: Syria's Islamists Seize Control as Moderates Dither. Jun ۱۹.

www.Jump up to navigation.com

[www.wikipedia.com](http://www.wikipedia.com)

[www.ketabdarrahange.persianblog.com](http://www.ketabdarrahange.persianblog.com)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





## Recognizing the Flow of the Islamic Fundamentalist Groups in the Middle East and its Influence on Iran's National Security

\*<sup>۱</sup>-Dr Marzieh Mokhtari, Ph.D. in Political Geography

۲- Dr Ali Gravand Faculty Member of Imam Hussein University (a.s)

۳-Morteza Torabi, MA student of Political Sciences

### Abstract

The formation of Islamic fundamentalist groups such as al-Qaeda, Taliban, ISIL, the Nusra Front in the Middle East has been fundamentally influenced by the political trends of this region, and this impact, in addition to the domestic dimensions of governments, can also be seen at the regional and geopolitical level. In fact, the fundamentalist groups created a new political and geopolitical equations in the region by developing its activities in the widespread Middle East territorial realm. The phenomenon of Islamic fundamentalism in the Middle East, in the form of extreme-terrorist groups, is one of the most obvious characteristics of security scanning in the Middle East. But despite the fact that these groups are examined in a general approach as fundamentalism, along with ideological similarities, the difference between extremist groups in political dimensions is seen. The pivotal question of this research is based on the fundamental funds and differentiation of the fundamentalist groups of the Taliban, al-Qaeda, ISIL, the Al-Nusra Front and Jaish-e-Islam in the Middle East and what is its impact on Iran's national security? The findings of this research show that the most important aspects of participation in these groups in the ideological religious component, and their differences in political components. And the most important effects of these terrorist groups on Iran's national security threatening Iran's strategic depth, providing the context of political and military intervention of transnational powers, weakening in sovereignty and gap in the axis of resistance, the competition between Shiite and Sunni, together Eating balance has been in favor of regional rivals in Iran's supporters of these terrorist groups. The present study was used as a comparative or comparative study using library and documentary method, corresponding books, publications and press, articles and magazines, Internet sites used and used in the map of GIS software.

**KEYWORDS:** Middle East, Fundamentalism, Discourse, Fundamentalist Groups.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی